

دولت‌بودگی فلسطین مبتنی بر حق بر تعیین سرنوشت: رهیافت‌های نظر مشورتی ۲۰۲۴ دیوان بین‌المللی دادگستری (پژوهشی)

مهشید آجلی لاهیجی *

مهناز رشیدی **

(DOI) : 10.22066/cilamag.2025.2045289.2648

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۱۸

چکیده

در حالی که فلسطین یکی از بحرانی‌ترین دوران‌های تاریخ خود را تجربه می‌کند، دیوان بین‌المللی دادگستری، راجع به «پیامدهای حقوقی ناشی از سیاست‌ها و رویه‌های اسرائیل در سرزمین اشغالی فلسطین، شامل بیت‌المقدس شرقی» نظر مشورتی صادر و با تأکید بر حق بر تعیین سرنوشت مردم فلسطین، اعلام کرد که حضور اسرائیل در این سرزمین، خلاف حقوق بین‌الملل بوده و باید در اسرع وقت به اشغال پایان داده شود. بر این اساس، پژوهش حاضر تلاش می‌کند به این سؤال پاسخ دهد که علی‌رغم شناسایی حق بر تعیین سرنوشت مردم فلسطین از منظر حقوق بین‌الملل چه عواملی مانع اعمال حاکمیت فلسطین به طور کامل است؟ بررسی موضوع، به روشنی نشان می‌دهد که با وجود اینکه فلسطین توانسته با تحقق مؤلفه‌های دولت‌بودن، حق بر تعیین سرنوشت خود را در قالب دولت‌بودگی متبلور سازد، تثبیت جایگاه آن برای اعمال حاکمیت کامل همچنان متأثر از اشغال مستمر بوده و نیازمند آن است که جامعه بین‌المللی اقدامات مؤثرتری در راستای پذیرش تمام و کمال حقوق این دولت در میان اعضای خود انجام دهد.

واژگان کلیدی

فلسطین، حق بر تعیین سرنوشت، دولت‌بودگی، دیوان بین‌المللی دادگستری، جامعه بین‌المللی

* mahshid_ajeli@yahoo.com

* دکتر حقوق بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

** ma.rashidi@shahed.ac.ir

** نویسنده مسئول، استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران



مقدمه

در حالی که سال‌ها از شروع وضعیت اشغال سرزمین فلسطین می‌گذرد، دیوان بین‌المللی دادگستری جدیدترین نظر مشورتی خود را در بحبوحه یکی از فاجعه‌بارترین ادوار زندگی این مردم در ۱۹ ژوئیه ۲۰۲۴ صادر کرد و در مورد سؤالات مجمع عمومی سازمان ملل در خصوص پیامدهای سیاست‌ها و رویه‌های اسرائیل در سرزمین اشغالی فلسطین، به این نتیجه رسید که ادامه حضور اسرائیل در سرزمین اشغالی فلسطین، غیرقانونی بوده و باید فوراً به این وضعیت پایان داده شود.^۱ در همین رابطه، تکالیف و تعهداتی نیز برای دول ثالث و سازمان ملل متحد برشمرده شد.^۲ از جمله مسائلی که در قالب کنکاش حقوقی دیوان برای پاسخ به سؤالات، مورد توجه قرار گرفت، موضوع حق بر تعیین سرنوشت مردم فلسطین بود.^۳

اساساً حق بر تعیین سرنوشت این مردم، نقطه حداثی حق آنان نسبت به دولت‌بودگی است که مورد اجماع حداکثری جامعه جهانی قرار دارد. در حالی که سال‌ها از تصویب اولین قطعنامه‌هایی که این مضمون را در چارچوب ملل متحد تأیید کرد، می‌گذرد، شاید تنها پیشرفت حاصله در این خصوص این باشد که قطعنامه اخیر مجمع عمومی که متعاقب صدور نظر مشورتی و جهت اجرای آن صادر شد، با آرای مخالف بسیار محدودی، به‌ویژه شامل آرای برخی کشورهای کوچک و جزیره‌ای به تصویب رسید و برخی دولت‌های اروپایی مانند فرانسه و بلژیک با آن موافقت کرده و برخی از حامیان اصلی اسرائیل مانند آلمان، هلند و کانادا به آن رأی ممتنع دادند.^۴ در چنین شرایطی، یک سؤال تعیین‌کننده درباره سرنوشت فلسطین این است که با وجود این اجماع حداکثری، بر دولت بودن فلسطین، دولت فلسطین تا چه حد توانسته این حق را در قالب دولت‌بودگی متجلی سازد و چه عواملی مانع نقش‌آفرینی آن به‌عنوان بازیگر فعال در جامعه بین‌المللی می‌شود؟

در حالی که اصولاً به نظر می‌رسد فاصله میان حق بر تعیین سرنوشت و تشکیل دولت، باید با تأمین عناصر سنتی دولت‌بودگی در حقوق بین‌الملل پر شود، چیزی حتی فراتر از دریافت گستره قابل‌توجهی از شناسایی جمعی و فردی برای پذیرش کامل و تثبیت جایگاه دولت در جامعه بین‌المللی لازم است. این پژوهش، ضمن استفاده از رهیافت‌های دیوان، با پیمایش گام به گام فاصله میان دو مضمون حق بر تعیین سرنوشت تا دولت‌بودگی و در نهایت، شناسایی در مورد فلسطین، در صدد یافتن پاسخی به این پرسش است که با جمع همه شرایط، حلقه مفقوده مسئله

1. *Legal Consequences arising from the Policies and Practices of Israel in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem*, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2024, para. 285.

2. Ibid, paras. 273-283.

3. Ibid, paras. 230-243.

4. UNGA, Resolution on: Advisory opinion of the International Court of Justice on the legal consequences arising from Israel's policies and practices in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and from the illegality of Israel's continued presence in the Occupied Palestinian Territory, UN Doc. A/RES/ES-10/24, 2024.

دولت‌بودگی فلسطین کدام است.

۱. حق بر تعیین سرنوشت مردم فلسطین در نظر مشورتی ۲۰۲۴

پس از پایان دوره جنگ سرد که در فضای آن، حق بر تعیین سرنوشت، صرفاً در رابطه با مبارزه علیه استعمار تعریف می‌شد، در حال حاضر با نوعی چرخش مفهومی، دیدگاهی ظهور کرده است که با گسترش دایره شمول مباحث ذیل حق بر تعیین سرنوشت، از تمام مبارزات ضد استبدادی در کشورهای که حتی سابقه استعمار هم نداشته‌اند و از جنبش‌هایی که به دنبال آزادی‌خواهی، دموکراسی‌خواهی و ایجاد حکومت‌های دموکراتیک در کشورهای خود هستند، به استناد حق بر تعیین سرنوشت، دفاع کرده^۵ و بر مبنای استناد به همین حق و به‌عنوان جلوه‌ای از عدالت در فضای نظم موجود، حقوق بین‌الملل از جنبش‌ها یا نهضت‌های آزادیبخش ملی و مبارزه مشروع آن‌ها حمایت می‌نماید.^۶

حق بر تعیین سرنوشت به حقی شناخته‌شده از سوی حقوق بین‌الملل اطلاق شده که به‌واسطه گروهی از مردم برای کنترل بر سرنوشت‌شان ادعا می‌شود؛ حتی اگر این مردم هنوز به دولت‌بودگی ذیل حقوق بین‌الملل دست نیافته باشند.^۷ این حق در حقوق بین‌الملل ازجمله در نخستین بند ماده ۱ مشترک میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بازتاب یافته است که مقرر می‌دارد: «همه مردمان، واجد حق تعیین سرنوشت خویش هستند. به موجب این حق، آن‌ها محق هستند آزادانه وضعیت سیاسی خویش را تعیین و آزادانه در جستجوی توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود باشند».

گرچه طی سال‌ها جامعه بین‌المللی ازجمله در قالب سازمان ملل، همواره حق بر تعیین سرنوشت مردم فلسطین را به رسمیت شناخته، اخیراً دیوان بین‌المللی دادگستری ابعاد این حق را به نحو دقیق‌تری واکاوی و تأیید کرده است. دیوان در این خصوص، چهار بُعد از حق مردمان فلسطین در این بستر را یادآور شده و اعلام می‌کند که اشغال، چگونه این ابعاد را مخدوش کرده است:

۱- به زعم دیوان، حق بر تمامیت سرزمینی طبق حقوق بین‌الملل عرفی به‌عنوان نتیجه طبیعی حق بر تعیین سرنوشت شناخته شده است،^۸ در حالی که سیاست شهرک‌سازی اسرائیل، کرانه

۵. رضا اسلامی، آیا حقوق بشر؟ راهنمای هنجاری حقوق مدنی-سیاسی برای توانمندی و مطالبات جامعه مدنی، (تهران: نشر مجد، ۱۳۹۵)، ۶۱-۶۲.

۶. ن.ک: محمد رضا ضیائی بیگدلی، حقوق جنگ، (تهران: نشر دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۰)، ۱۱۴-۱۱۵ و ۲۰۶-۲۲۲.

7. Marija Batistich, "The Right to Self-Determination and International Law", *Auckland University Law Review* 7, (1995): 1013.

8. *Legal Consequences of the Separation of the Chagos Archipelago from Mauritius in 1965*, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2019 (I), para. 160.

باختری را چندپاره و بیت‌المقدس شرقی را از آن جدا کرده و انضمام بخش‌های بزرگی از سرزمین اشغالی فلسطین از سوی اسرائیل، تمامیت سرزمین اشغالی فلسطین، به‌عنوان یکی از عناصر حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین را نقض کرده است.^۹

۲- اسرائیل به‌عنوان قدرت اشغالگر، تعهد دارد از اعمال حق مردم فلسطین بر تعیین سرنوشت، ازجمله حق آن‌ها در داشتن دولت مستقل و واجد حاکمیت بر تمامی سرزمین اشغالی فلسطین ممانعت نکند دارد.^{۱۰}

۳- دیوان در مورد لزوم یکپارچگی ملت دارای حق بر تعیین سرنوشت، معتقد است که سیاست شهرک‌سازی اسرائیل در کل، انضمام سرزمینی و اتخاذ قوانین و اقدامات مرتبطی که در سرزمین‌های اشغالی علیه فلسطینی‌ها به‌صورت تبعیض‌آمیز اجرا می‌شد، منجر به کوچ فلسطینی‌ها از مناطق مشخصی از سرزمین‌های اشغالی فلسطین شده است.^{۱۱}

۴- در نهایت، دیوان معتقد است اسرائیل منابع طبیعی در سرزمین اشغالی فلسطین را به نفع خود و به نفع شهرک‌نشینان بهره‌برداری کرده و تعهد خود را به احترام به حاکمیت دائم مردم فلسطین بر منابع طبیعی نقض می‌کند. در همین ارتباط، دیوان به موضع کمیسیون اقتصادی و اجتماعی برای آسیای غربی ارجاع می‌دهد که در آن اعلام شده بود: «محدودیت‌های تحمیلی اسرائیل، گسترش شهرک‌سازی‌های غیرقانونی و سایر اقدامات، نه‌تنها مانع از توسعه شده، بلکه چندپاره‌گی سرزمین فلسطین را تشدید کرده است. این سیاست‌ها و اقدامات، آثار وخیم بشردوستانه، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بر فلسطینی‌ها و توانایی آن‌ها در اعمال حقوق بنیادین بشرشان داشته است. عواقب این اقدامات، تأثیراتی انباشته، چندلایه و بین‌نسلی بر جامعه، اقتصاد و محیط‌زیست فلسطین بر جای گذاشته و منجر به بدتر شدن شرایط زندگی فلسطینی‌ها، جابه‌جایی اجباری آن‌ها، عدم توسعه سرزمین‌های اشغالی فلسطین، تثبیت وابستگی نامتقارن اقتصاد فلسطین به اسرائیل، و تشدید وابستگی نهادی فلسطینی‌ها به کمک خارجی می‌شود».^{۱۲}

بررسی ابعاد شناسایی شده از حق بر تعیین سرنوشت مردم فلسطین از سوی دیوان، به‌روشنی با مؤلفه‌های سنتی دولت‌بودگی در حقوق بین‌الملل، شامل تمامیت سرزمینی، وجود ملت یا جمعیت دائمی و اعمال حاکمیت، تطابق پیدا می‌کند و در آخر به حق بر توسعه‌ای که ملت‌ها محق به پیگیری آن هستند، می‌پردازد. به عبارتی، در حالی که ممکن است حق بر تعیین سرنوشت، ابعاد

9. *Legal Consequences arising from the Policies and Practices of Israel in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem*, op. cit, para. 238.

10. Ibid., para. 237.

11. Ibid., para. 239.

12. Economic and social repercussions of the Israeli occupation on the living conditions of the Palestinian people in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and of the Arab population in the occupied Syrian Golan, UN doc. A/78/127-E/2023/95, 30 June 2023, para. 130.

مختلفی داشته باشد، دیوان به‌وضوح، حق بر دولت‌بودن را از این مفهوم مدنظر قرار داده است؛ در عین حال در نظر مشورتی تبیین شده است که علی‌رغم وجود مؤلفه‌های دولت‌بودگی در فلسطین، استمرار وضعیت اشغال، اگرچه مانع از تشکیل دولت فلسطین نیست ولی تا حد زیادی توانسته مانع از بهره‌مندی کامل فلسطین از حقوق و مزایای دولت‌بودگی شود. از این رو در قسمت بعدی بررسی خواهد شد که آیا اشغال به حدی این مؤلفه‌ها را مخدوش می‌کند که تحقق آن به‌نحو مقتضی برای موجودیت دولت فلسطین مورد تشکیک واقع شود یا خیر.

۲. تحقق شروط کنوانسیون مونته‌ویدئو

کنوانسیون مونته‌ویدئو راجع به حقوق و تکالیف دولت‌ها مصوب ۱۹۳۳ اساساً تنها معاهده بین‌المللی است که مؤلفه‌هایی را برای دولت‌بودگی مطرح می‌کند که شامل داشتن سرزمین معین، جمعیت دائمی، حکومت مستقر و توانایی برقراری روابط دیپلماتیک با سایر دولت‌ها است.^{۱۳} در این قسمت با بررسی دقیق این عناصر در خصوص وضعیت فلسطین، مشخص خواهد شد که آیا این موجودیت توانسته حق بر تعیین سرنوشت خود را به‌واسطه برخورداری از مؤلفه‌های دولت‌بودن، در قالب دولت‌بودگی محقق نماید یا خیر. روشن است که برخی ابعاد موضوع، مانند تعیین مرزهای سرزمینی یا اعمال حاکمیت، به‌طور خاص به دلیل وجود وضعیت اشغال می‌تواند با چالش‌هایی روبه‌رو باشد.

۲-۱. سرزمین فلسطین: سیر تاریخی و اوصاف کنونی

با وجود اختلافات موجود با اسرائیل و علی‌رغم تعلق کل سرزمین فلسطین جدانشده از امپراطوری عثمانی به ملت فلسطین، به هر روی در حال حاضر اکثریت جامعه بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد و اتحادیه اروپا محدوده مشخصی را به‌عنوان سرزمین فلسطین شناسایی می‌کند که فراتر از منطقه تحت کنترل حاکمیت فلسطین بوده و بر همین مبنا، بخشی از سرزمین فلسطین را تحت اشغال اسرائیل می‌داند. محدوده مورد بحث در واقع منطقه‌ای است که با خط سبز یا همان خط آتش‌بس ۱۹۴۸ مشخص شده و شامل کرانه باختری رود اردن به مساحت تقریبی ۵۸۰۰ کیلومتر مربع، نوار غزه به مساحت حدود ۳۶۰ کیلومتر مربع و بیت‌المقدس شرقی است. از زمان پیمان‌های اسلو، جامعه بین‌المللی، مرزهای پیش از ۱۹۶۷ را به‌عنوان مرزهای فلسطین در نظر می‌گیرد. بنا بر نظر نهضت آزادیبخش فلسطین، مرز ۴ ژوئن ۱۹۶۷ که به‌عنوان خط سبز شناسایی می‌شود، مرز بین‌المللی شناخته‌شده بین فلسطین اشغالی و اسرائیل است.^{۱۴} محمود عباس در زمان تلاش برای

13. Convention on the Rights and Duties of States, 1933, Art. 1.

14. Palestine Liberation Organization, The Green line is a Red Line: The 1967 Border and the Two-State, 2011, Negotiation Affairs Department: <https://www.nad.ps/en/publication-resources/factsheets/green-line-red-line-1967-border-and-two-state> , Accessed: 26/10/2024.

دریافت جایگاه دولت غیرعضو ناظر در ملل متحد، خواستار شناسایی مرزهای ۱۹۶۷ برای فلسطین شد.^{۱۵} همچنین شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز تعلق این سرزمین به فلسطین را به رسمیت شناخته و در قطعنامه ۲۴۲ از اسرائیل می‌خواهد تا از مناطق اشغالی طی جنگ ۱۹۶۷ عقب‌نشینی کند.^{۱۶}

با این حال، اسرائیل همچنان ادعاهایی نسبت به محدوده مورد بحث مطرح و سیاست شهرک‌سازی را در کرانه باختری دنبال می‌کند. این قدرت اشغالگر، نسبت به مرزهای فلسطین، کنترل مؤثر اعمال، و محدودیت‌های قابل‌توجهی بر حق بر رفت و آمد فلسطینیان وضع کرده است.^{۱۷} علاوه بر این موارد، اسرائیل تمام بیت‌المقدس را متعلق به خود دانسته و حتی کل بیت‌المقدس را به‌عنوان پایتخت خود لحاظ می‌کند. در همین راستا نیز اقدام به وضع قانونی تحت عنوان /اورشلیم (بیت‌المقدس) یکپارچه و متحد^{۱۸} کرده است. پیرو این موضوع، دولت‌هایی مانند ایالات متحده به انتقال سفارت خود از تل‌آویو به بیت‌المقدس مبادرت کرده‌اند، در حالی که اصولاً با توجه به عام‌الشمول بودن تعهدات نقض شده توسط اسرائیل، مکلف‌اند وضعیت غیرقانونی موجود را شناسایی نکرده و حتی به آن خاتمه دهند. در همین ارتباط، فلسطین از جمله به موجب کنوانسیون وین راجع به روابط دیپلماتیک ۱۹۶۱ از ایالات متحده در دیوان بین‌المللی دادگستری شکایت کرده و این اقدام آمریکا را نقض تعهدات دولت اخیر قلمداد کرده است، چرا که محل سفارت باید در قلمرو دولت پذیرنده تعیین شود، در حالی که شهر بیت‌المقدس تحت اشغال اسرائیل قرار دارد.^{۱۹} همچنین در زمره نقض‌های مستمر حقوق بین‌الملل، اسرائیل به‌طور مشخص با ساخت دیوار حائل که بخشی از آن در سرزمین شناسایی شده برای فلسطین واقع شده، همان‌طور که دیوان بین‌المللی دادگستری در ۲۰۰۴ اعلام می‌کند، بخش بزرگی از حقوق بشر فلسطینیان و اصول حقوق بین‌الملل را نقض کرده و متعهد است فوراً به نقض این تعهدات که قسمی از آن‌ها مانند حق بر تعیین سرنوشت فلسطینیان از خصلت عام‌الشمول برخوردار است، پایان دهد.^{۲۰}

15. UN, Ban sends Palestinian application for UN membership to Security Council, UN News, 23 September 2011, Available at: <https://news.un.org/en/story/2011/09/388322> Accessed: 16/10/2024.

16. UNSC, S/RES/242, 1967.

17. UNOCHA, Fact Sheet: Movement and Access in the West Bank, September 2024, Available at: <https://www.unocha.org/publications/report/occupied-palestinian-territory/fact-sheet-movement-and-access-west-bank-august-2024#:~:text=Under%20international%20law%2C%20the%20Israeli,response%20to%20specific%20security%20threats>. Accessed: 26/12/2024; Economic and social repercussions of the Israeli occupation on the living conditions of the Palestinian people in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and of the Arab population in the occupied Syrian Golan, UN doc. A/78/127-E/2023/95, 30 June 2023, para. 58

18. Basic-Law: Jerusalem the capital of Israel, 5740-1980, 30 July, 1980.

19. *Relocation of the United States Embassy to Jerusalem (Palestine v. United States of America)*, I.C.J. Report, Application instituting proceedings, 28 September 2018.

20. See: *Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory*, I.C.J. Advisory Opinion, 2004.

از حیث تاریخی، فلسطینیان از زمان جنگ ۱۹۴۸ از سرزمینی که فلسطین شناخته می‌شد، رانده و آواره شدند. این اتفاق در واقع در ادامهٔ عدم اجرای تعهدات بریتانیا در اجرای تعهدات خود ذیل مسئولیت قیمومت فلسطین که به موجب ماده ۲۲ میثاق جامعه ملل به آن سپرده شده بود، رخ داد. پیرو وارد کردن تعداد نسبتاً قابل توجهی از یهودیان به این سرزمین تا ۱۹۴۸ یعنی تا زمان خروج بریتانیا از فلسطین، درگیری‌هایی بین اعراب فلسطینی و یهودیان تازه‌وارد بر سرزمین‌ها پدید آمد که منجر به تصویب قطعنامهٔ ۱۸۱ مجمع عمومی سازمان ملل در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ و طرح موضوع تقسیم فلسطین به دو کشور عرب و یهودی شد.^{۲۱} این قطعنامهٔ جنجالی که به‌وضوح از مشروعیت لازم بی‌بهره بود، اعراب را به مخالفت برانگیخت. جالب توجه است که قاضی تومکا در اعلامیهٔ خود نسبت به نظر مشورتی ۲۰۲۴ دیوان، به صدور قطعنامهٔ ۱۸۱ و پذیرش آن قطعنامه توسط یهودیان و اعتراض اعراب اشاره کرده و بیان می‌دارد که اگر رهبران عرب در آن زمان طرح تقسیم را می‌پذیرفتند از فاجعه‌ای که از آن زمان منطقه را گرفتار کرده، پیشگیری می‌کردند.^{۲۲} این در حالی است که فارغ از شبهات قابل طرح در خصوص مبنای صلاحیتی مجمع عمومی برای اتخاذ چنین تصمیمی، طرح تقسیم حتی مساحت برابری برای تشکیل دو کشور پیشنهادی در نظر نگرفته بود و به شکل بحث‌برانگیزی، نه‌تنها سرزمین فلسطینیان را به بیگانگان یهودی پیشکش می‌کرد، بلکه حتی سهم بیشتری برای گروه اخیر در نظر گرفته بود.

در حالی که اسرائیل در محدودهٔ سرزمینی توصیه‌شده از سوی مجمع عمومی در ۱۹۴۸ اعلام استقلال کرد، وقوع جنگی در اعتراض به این وضعیت ناعادلانه و غیرعادی بین دولت‌های عرب و اسرائیل، ناگزیر بود. در ۱۶ نوامبر همان سال، شورای امنیت دستور آتش‌بس در فلسطین را صادر کرد و خط سبز، حاصل آتش‌بس میان طرف‌های جنگ در ۱۹۴۹ بود. مناطق واقع در پشت خط سبز، همان محدوده‌ای است که در حال حاضر نیز جامعهٔ جهانی به‌عنوان سرزمین فلسطین شناسایی می‌کند؛ به گونه‌ای که جنگ دیگری که در ۱۹۶۷ بین اسرائیل در یک سو و مصر، اردن و سوریه در سوی دیگر روی داد و با ازدست‌دادن نواحی تصاحب‌شده در جنگ ۱۹۴۸ از سوی اعراب خاتمه یافت، تغییری در آن خطوط مرزی ایجاد نکرد، بلکه تنها منتج به توصیف مناطق تصرف‌شده توسط اسرائیل در این جنگ، به‌عنوان مناطق اشغالی شد. به عبارت دیگر، مقصود جامعهٔ بین‌المللی از سرزمین اشغالی فلسطین، تنها محدوده‌ای است که توسط اعراب در جنگ ۱۹۴۸ تصرف شد و در ۱۹۶۷ از دست رفت یا در واقع هر آن مقدار از کرانهٔ باختری و نوار غزه که همچنان تحت کنترل اسرائیل قرار دارد. به بیانی، به دلیل فقدان دولت فلسطینی مستقل پیش از ۱۹۴۸ یعنی در زمان اعلام استقلال اسرائیل، جامعهٔ بین‌المللی کل منطقهٔ مشخص‌شده ذیل قرارداد قیمومت را اشغالی

21. UNGA, A/RES/181(II), 1947

22. *Legal Consequences arising from the Policies and Practices of Israel in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem*, op. cit, Declaration of Judge Tomka, paras. 2 and 3.

نمی‌داند،^{۲۳} در حالی که سرزمین‌های پشت خط سبز در واقع در نتیجه جنگ ۱۹۶۷ از دولت‌های عرب گرفته شده است و طبق قواعد اشغال حقوق بین‌الملل، اشغالی محسوب می‌شود. در همین راستا در ۲۲ نوامبر ۱۹۶۷ شورای امنیت قطعنامه ۲۴۲ را به تصویب رساند که در آن بر غیرقابل پذیرش بودن اکتساب سرزمین از طریق جنگ یا توسل به زور تأکید می‌کند.^{۲۴}

در ۱۹۷۴ مجمع عمومی در قطعنامه ۳۲۱۰ سازمان آزادیبخش فلسطین را به‌عنوان نماینده مردم فلسطین شناسایی کرد و سازمان آزادیبخش در نوامبر ۱۹۸۸ با استناد به قطعنامه ۱۸۱ تأسیس دولت فلسطین را اعلام کرد. پس از آن بود که این سازمان اقدام به امضای پیمان‌های اسلو در ۱۹۹۳ و ۱۹۹۵ نمود و به موجب آن علاوه بر شناسایی طرف‌ها از سوی یکدیگر،^{۲۵} ازجمله توافق شد که کرانه باختری اشغالی از سوی اسرائیل به سه منطقه تقسیم شود و ضمن انتقال بخشی از اختیارات در دو منطقه اول به فلسطین، منطقه سوم که بیش از ۶۰ درصد کرانه باختری را تحت پوشش دارد، به‌طور انحصاری توسط اسرائیل اداره شود.^{۲۶} این در حالی است که در عمل بخش قابل توجهی از کنترل کرانه باختری تا امروز همچنان در دست اسرائیل باقی مانده است.^{۲۷}

در واقع برای رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین، روند صلح اسلو در ۱۹۹۳ فرصتی فراهم کرد تا رؤیای تأسیس دولت فلسطینی را به واقعیتی سرزمینی تبدیل کند. با امضای این پیمان، سازمان به رویکردی برای حل مناقشه تن داد که اساساً به تقسیم سرزمین به‌عنوان الگویی برای دستیابی به حداقل حقوق فلسطینیان مرتبط بود و علاوه بر آن پذیرفت که نقطه آغاز این مناقشه، جنگ ۱۹۶۷ است و نه جنگ ۱۹۴۸. سازمان با وجود اینکه کاملاً آگاه بود که روند اسلو به اشغال پایان نمی‌دهد و ایجاد دولت فلسطین را به‌عنوان هدف نهایی خود شناسایی نمی‌کند، اما رهبری فلسطین معتقد به اثبات این بود که نشان دهد تشکیل دولت فلسطین، قابل تحقق است.^{۲۸}

علی‌رغم این وضعیت، در نوامبر ۲۰۱۲ مجمع عمومی با اعطای جایگاه دولت غیرعضو ناظر به فلسطین در ملل متحد موافقت کرد^{۲۹} و در مه ۲۰۲۴ به‌صراحت اعلام کرد که «دولت فلسطین طبق ماده ۴ منشور، واجد شرایط عضویت در ملل متحد است».^{۳۰} شناسایی این وضعیت‌های حقوقی

23. See: *Legal Consequences arising from the Policies and Practices of Israel in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem*, op. cit, para. 57.

24. UNSC, S/RES/242, 1967.

25. Declaration of Principles on Interim Self-Government Arrangements, Oslo Accord I, 1993, Preamble.

26. Israeli-Palestinian Interim Agreement on the West Bank and the Gaza Strip, Oslo Accord II, 1995, Art. XI, XIII, XVII.

27. Report of the Independent International Commission of Inquiry on the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and Israel, UN doc. A/77/328, 14 September 2022, paras. 39 and 42.

28. Leila Farsakh, "The Question of Palestinian Statehood: Is Partition the Only Path to Self-Determination?" *Boston Reviv* (5 June 2024). Available at: <https://www.bostonreview.net/articles/the-question-of-palestinian-statehood/>, Accessed: 17/10/2024.

29. UNGA., Status of Palestine in the United Nations, UN Doc. A/RES/67/19, 2012.

30. UNGA., Admission of new Members to the United Nations, UN Doc. ES-10/23, 2024.

برای فلسطین در حالی انجام می‌شود که مرزهای پیش از جنگ ۱۹۴۷ به‌عنوان سرزمین دولت فلسطین در نظر گرفته می‌شود. در واقع، با توجه به اجماع کلی شکل‌گرفته در جامعه بین‌المللی نسبت به مناطقی که به‌عنوان سرزمین فلسطین وجود دارد، اصولاً اختلاف و مبارزه با قدرت اشغالگر برای پس‌گرفتن این مناطق نمی‌تواند مانع شکل‌گیری دولت شود.^{۳۱}

۲-۲. جمعیت دائم: معیارها و واقعیت وجود مردم فلسطینی

وجود جمعیت، شرط لازم در تشکیل دولت به شمار می‌رود و پایه‌گذاری دولت بدون گردهم‌آمدن افراد بشر، بیهوده و عبث است. با وجود این، در حقوق بین‌الملل، هیچ حداقلی برای تعداد جمعیت در نظر گرفته نشده است.^{۳۲} زمانی نظریه‌ها در این راستا بود که کشورهای با سرزمین و جمعیت کم (کشورهای کوچک یا ذره‌ای) واجد شرایط لازم برای عضویت در سازمان ملل متحد نیستند. اما از ۱۹۹۰ کشورهایمانند آندورا، لیختن‌اشتاین، سن‌مارینو و توالو به سازمان ملل پیوستند^{۳۳} و این نظر را تقویت کردند که تعداد افراد تشکیل‌دهنده جمعیت، شرط لازم در تشکیل دولت به حساب نمی‌آید. به‌طور خاص، آنچه در خصوص معیار جمعیت مورد تأکید قرار گرفته، دائمی بودن جمعیت است. برای شناخت ویژگی دائمی بودن باید به دو نکته توجه کرد: اولین نکته این است که جمعیت مزبور باید قصد سکنی‌گزیدن در قلمروی دائمی را داشته باشد و دومین نکته اینکه قلمرو دائمی باید قابل سکونت باشد.^{۳۴} این نکته نیز در خصوص جمعیت قابل ذکر است که ممکن است جمعیت یک کشور با یکدیگر همگون نباشند و از جهت زبان، مذهب، نژاد و ... تفاوت‌هایی داشته باشند.^{۳۵}

موضوع دیگر در باب معیار جمعیت، بحث تابعیت است. در باب تابعیت، این مسئله مطرح می‌شود که تابعیت به‌عنوان رابطه سیاسی و معنوی که فرد یا افرادی را به دولتی معین وابسته می‌نماید، تا چه حد در مورد عنصر جمعیت برای تشکیل دولت اهمیت دارد؟ برخی از حقوق‌دانان بر این نظرنند که ماده اول کنوانسیون مونتویدئو، تنها معیار دایمی بودن جمعیت را مطرح می‌نماید و قاعده‌ای در باب تابعیت جمعیت بیان نمی‌کند. در این نظر، اعطای تابعیت، موضوعی است که دولت‌ها تنها از طریق حقوق داخلی خود یا به وسیله معاهده قادر به اجرای آن هستند. بنابراین

۳۱. جلال بحرینی و محمدحسین رضائی قوام‌آبادی، «امکان‌سنجی رسیدگی دیوان بین‌المللی کیفری به وضعیت فلسطین و تبعات احتمالی آن»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، انتشار آنلاین، (۱۴۰۱): ۵.

۳۲. James Crawford, "the Criteria for Statehood in International Law", *British Yearbook of International Law* 48, 1 (1977): 114.

۳۳. Anthony Aust, *Handbook of International Law*, (New York: Cambridge University Press, 2005), 16-17.

۳۴. سیدقاسم زمانی، «ماهیت حقوقی داعش در حقوق بین‌الملل: دولت یا بازیگر غیردولتی؟»، دولت‌پژوهی ۱(۳۹۴): ۱۱۸.

۳۵. همان.

تابعیت منوط به دولت بودن است، نه بالعکس^{۳۶} و معیار جمعیت دائم برای تشکیل دولت، به وصف تابعیت آن جمعیت مرتبط نیست.^{۳۷}

در این میان، اثبات عنصر وجود جمعیت دائمی برای فلسطین چندان محل بحث و چالش نیست زیرا ساکنان اصلی این منطقه، اعراب بوده‌اند که امروزه عمدتاً در نوار غزه و کرانه باختری سکونت دارند. آن‌ها یک جمعیت ثابت و معین با قومیت، فرهنگ و سنت‌های مشخص هستند.^{۳۸} بر اساس تفاسیر ارائه شده از آخرین داده‌های سازمان ملل متحد، جمعیت دولت فلسطین در ۲۰۲۴، ۵،۵۲۲،۸۱۹ نفر تخمین زده شده است^{۳۹} که حدود ۳ میلیون نفر در کرانه باختری و ۲ میلیون نفر در نوار غزه ساکن هستند.^{۴۰}

با وجود این، یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در احراز عنصر جمعیت برای فلسطین، موضوع عدم یکپارچگی و انسجام جمعیت فلسطین است؛ به نحوی که بخشی از جمعیت فلسطین در نوار غزه و برخی در کرانه باختری سکونت دارند و عبور و مرور و ارتباط جمعیت این دو بخش در کنترل رژیم اسرائیل قرار دارد. افزون بر این، شهرک‌سازی‌های اسرائیل در کرانه باختری نیز باعث عدم انسجام و یکپارچگی جمعیت فلسطینی در این منطقه شده است. همچنین بخش زیادی از جمعیت فلسطین را آوارگان و پناهندگان فلسطینی تشکیل می‌دهند.^{۴۱} بر اساس آمار آنرو، تعداد جمعیت پناهنده فلسطینی ثبت شده در ژانویه ۲۰۲۲، به ۵/۹ میلیون نفر رسیده است که عمدتاً به کشورهای اردن، سوریه و لبنان پناه آورده‌اند.^{۴۲} اما به نظر می‌رسد چالش‌های مذکور مانع برخورداری فلسطین از معیار جمعیت نمی‌شود. بلکه عدم تغییر ترکیب جمعیتی مناطق اشغال شده فلسطینی از طریق

36. Crawford, *the Criteria for Statehood in International Law*, 114.

37. Ali Zounuzy Zadeh, "International Law and the Criteria for Statehood", LL.M Thesis of Public International Law, Tilburg University, 2022, Available at: <http://arno.uvt.nl/show.cgi?fid=121942>, Accessed: 18/10/2024.

38. Errol Mendes, "Statehood and Palestine for the Purposes of Article 12(3) of the ICC Statute: a Contrary Perspective" (2010), Available at: <https://www.icc-cpi.int/sites/default/files/NR/rdonlyres/D3C77FA6-9DEE-45B1-ACC0-B41706BB41E5/281876/OTPErrolMendesNewSTATEHOODANDPALESTINEFOR THEPURPOS.pdf>, Accessed: 26/10/2024.

39. Worldometer, State of Palestine Population, <https://www.worldometers.info/world-population/state-of-palestine-population/>, Accessed: 17/10/2024.

40. US Department of State, "Israel, West Bank and Gaza: West Bank and Gaza", 2022, Available at: <https://www.state.gov/reports/2022-report-on-international-religious-freedom/israel-west-bank-and-gaza/west-bank-and-gaza/#:~:text=The%20U.S.%20government%20estimates%20the,Shia%20and%20Ahmadi%20Muslim%20communities>, Accessed: 17/10/2024.

۴۱. سیداحمد طباطبایی و داوود محبی، «حقوق بین‌الملل و تشکیل کشور مستقل فلسطینی»، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱۱ (۱۳۹۳): ۱۴۹-۱۵۱.

42. Palestinian Central Bureau of Statistics (PCBS), "Conditions of the Palestinian People through Statistical Figures and Findings, on the Occasion of World Refugee Day", 20/06/2024, Available at: <https://www.pcbs.gov.ps/post.aspx?lang=en&ItemID=5773#:~:text=About%2066%25%20of%20the%20Total,and%20data%20indicated%20that%2026>, Accessed: 17/10/2024.

وارد کردن گروه‌های جمعیتی اسرائیلی^{۴۳} و همچنین صدور مجوز و فراهم کردن شرایط بازگشت آوارگان فلسطینی به محل اقامت اصلی‌شان از تعهدات قدرت اشغالگر است که دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در نظر مشورتی اخیر خود به‌درستی به آن اشاره کرده است.^{۴۴} همچنین عدم حاکمیت و کنترل مؤثر دولت بر بخش‌های مختلف جمعیتی و ناتوانی از ایجاد ارتباط منسجم میان آن‌ها در وضعیتی که منطقه‌ای تحت اشغال واقع شده است، پدیده‌ای رایج است و با این استدلال که کنترل عبور و مرور با رژیم اسرائیل است، نمی‌توان ادعای عدم برخورداری فلسطین از عنصر جمعیت را مطرح کرد. لازم به اشاره است که دیوان بین‌المللی دادگستری در نظریه مشورتی ۲۰۲۴ به این موضوع اشاره می‌کند که به استناد حق تعیین سرنوشت، مردمان در برابر اقداماتی که هدف آن‌ها پراکندگی جمعیتی و تضعیف یکپارچگی مردم است، محافظت می‌شوند. در این میان، دیوان ضمن یادآوری نظریه مشورتی خود در قضیه دیوار حائل^{۴۵} به این نتیجه رسید که ساخت آن دیوار به همراه دیگر اقدامات باعث خروج جمعیت از مناطق خاص شده و در نتیجه با ایجاد ریسک تغییر ترکیب جمعیتی، به‌طور جدی مانع از اعمال حق تعیین سرنوشت فلسطینیان شده است. همچنین دیوان دریافت که سیاست شهرک‌سازی اسرائیل به‌طور کلی، انضمام سرزمین و قوانین و اقدامات مربوطه تبعیض‌آمیز علیه فلسطینیان در سرزمین فلسطین اشغالی منجر به خروج فلسطینیان از مناطق معینی از این سرزمین به‌ویژه منطقه (ج) بیت‌المقدس شرقی شده است. همچنین محدودیت‌های سختی که توسط اسرائیل نسبت به رفت و آمد بین نوار غزه، کرانه باختری و بیت‌المقدس شرقی اعمال شده، باعث تقسیم جمعیت‌های فلسطینی گشته که در بخش‌های مختلف سرزمین فلسطین اشغالی زندگی می‌کنند. از نظر دیوان، این گونه سیاست‌ها و اقدامات، یکپارچگی جمعیت فلسطینی را در سرزمین فلسطین اشغالی تضعیف می‌کند و به‌ویژه مانع از اعمال حق تعیین سرنوشت می‌شود.^{۴۶} بر این اساس، دیوان با اشاره به حق تعیین سرنوشت برای مردمان فلسطینی، هم در نظر اخیر و هم در نظر مشورتی پیشین خود در قضیه دیوار حائل، به‌طور ضمنی، وجود جمعیت فلسطینی را تصدیق کرده است.

۲-۳. حکومت

از دیگر معیارهای اساسی دولت‌بودگی، وجود حکومتی است که بتواند جمعیت و سرزمین آن دولت

43. *Legal Consequences arising from the Policies and Practices of Israel in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem*, paras. 115 and 119.

44. *Ibid*, paras. 147, 268, 270.

45. *Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion*, para. 122.

46. *Legal Consequences arising from the Policies and Practices of Israel in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem*, para. 239.

را اداره کند. اما برخی بر این نظرند که عنصر حکومت به‌تنهایی برای تشکیل دولت کفایت نمی‌کند و به عنصر دیگری به نام حاکمیت هم نیاز است. اما در تعریف این دو مفهوم می‌توان گفت حاکمیت، نفس قدرت و حکومت، مجموعه عوامل و ابزار اعمال آن است.^{۴۷} به این ترتیب، حکومت و حاکمیت از یکدیگر مجزا نیستند. جیمز کر/فورڈ وجود حکومت به‌عنوان تجلی عینی حاکمیت را به‌عنوان اساسی‌ترین عامل تشکیل دولت قلمداد نموده است و سایر معیارها را منوط به وجود حکومت می‌داند.^{۴۸} در واقع حکومت، به معنی نهادهای اداره‌کننده یک کشور، نمود اجرایی حاکمیت ملی دولت است.^{۴۹} ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد با تصریح به اینکه «سازمان بر اصل برابری حاکمیت کلیه اعضا پایه‌گذاری شده است»، حاکمیت کشورها را به رسمیت شناخته است و آرای قضایی و داوری بین‌المللی، حاکمیت را ویژگی اساسی تشکیل دولت قلمداد نموده‌اند که مهم‌ترین خصوصیات آن، قاطعیت قدرت تصمیم‌گیری و اصلت قدرت تصمیم‌گیری است.^{۵۰} گزارش کمیته بین‌المللی حقوق‌دانان در ۱۹۲۰ درباره وضعیت فنلاند که در آن زمان کشوری مستقل نبود، دریافت پاسخ به این سؤال که چه نهادی دارای حکومت است یاری می‌دهد. این کمیته بیان نموده که به‌طور حتم، دولت نمی‌تواند دارای حکومت به شمار آید مگر اینکه یک سازمان سیاسی باثبات به وجود آید و مقامات عمومی از اقتدار کافی برخوردار باشند تا بدون کمک نیروهای نظامی خارجی، خود را در قلمرو آن سرزمین متجلی کنند.^{۵۱} به عبارت دیگر، دولت بودن باید از رهگذر استقرار حکومتی مستقل به اثبات برسد؛ حکومتی که از صلاحیت تقنینی و اجرایی برخوردار است و مستقل از دیگر دولت‌ها است.

مؤثر بودن حکومت به معنی داشتن اهلیت واقعی اجرای تمام وظایف دولتی از جمله حفظ نظم و ثبات داخلی و تمایل و توانایی اجرای تعهدات بین‌المللی است.^{۵۲} و بهترین تجلی اعمال حکومت مؤثر در دولت، وجود نهادهای قانونگذاری، قضایی و اجرایی است. موضوع حکومت، یکی از موضوعات محل مناقشه در رابطه با فلسطین است و استدلالاتی مبنی بر این مطرح شده که پیمان‌های اسلو و توافقنامه موقت ناشی از آن، اختیارات محدودی را به جنبش خودگردان فلسطین به دست می‌داد که اغلب آن‌ها نیازمند تأیید اسرائیل بود. همچنین این موضوع مطرح شده که

۴۷. سیدمحمد هاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، (تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۸۹)، ۲.

48. James Crawford, *The Creation of States in International Law*, (Oxford: Oxford University Press, 2007), 56.

۴۹. محمدرضا ضیائی بیگدلی، حقوق بین‌الملل عمومی، (تهران: گنج دانش، ۱۳۸۸)، ۲۰۹ و ۲۱۰.

۵۰. همان، ۲۱۰ و ۲۱۱.

۵۱. ربکا والاس، حقوق بین‌الملل، ترجمه و تحقیق: سیدقاسم زمانی و مهناز بهراملو، (تهران: شهر دانش، ۱۳۹۰)، ۸۴.

۵۲. نگوین کک دین، پاتریک دینیه و آلن پله. حقوق بین‌الملل عمومی، ترجمه: حسن حبیبی، جلد اول، (تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۲)، ۶۷۶.

عناصر اساسی اختیارات حکومتی مانند امنیت خارجی و امنیت مرزها به مقامات فلسطینی واگذار نشده و تحت کنترل اسرائیل مانده است و حتی با عقب‌نشینی اسرائیل از غزه از سال ۲۰۰۵ و اعمال اقتدار عملی حماس بر این منطقه، همچنان کنترل مرزهای آن در اختیار اسرائیل بوده و از این جهت، فلسطین فاقد دولت مستقل و مؤثر است.^{۵۳}

به منظور تعیین عنصر حکومت در رابطه با فلسطین، ناگزیر باید سیر تحولات حکمرانی در این منطقه را یادآور شد. به دنبال توافقات صورت‌گرفته در اسلو در ۱۹۹۳ مقرر شد که تشکیلات خودگردان فلسطین و مجلس مردم فلسطین در کرانه باختری و نوار غزه در دوره‌ای که از پنج سال تجاوز نکند و در نهایت منجر به وضعیت باثبات بر اساس قطعنامه‌های ۲۴۲ و ۳۳۸ شورای امنیت شود، تأسیس شود و هم‌زمان با امضای توافقنامه میان ساف و اسرائیل در ۴ مه ۱۹۹۴ در مورد اجرای اعلامیه اصول یا همان اعلامیه اسلو، کار تشکیلات خودگردان به‌طور رسمی آغاز شد. متعاقب آن در ژانویه ۱۹۹۶ اولین انتخابات مجلس قانونگذاری فلسطین برگزار و ۸۸ نماینده انتخاب شدند. همچنین یاسر عرفات به‌عنوان رئیس این تشکیلات انتخاب شد. پس از مرگ او محمود عباس، ریاست این تشکیلات را عهده‌دار شد. در ژانویه ۲۰۰۶ حماس اکثریت کرسی‌های مجلس را به دست آورد و محمود عباس از اسماعیل هنیه خواست تا دولت جدید فلسطین را تشکیل دهد. عدم به رسمیت‌شناختن اسرائیل و توافقات قبلی آن با تشکیلات خودگردان توسط حماس و قطع کمک‌های مالی دولت‌های غربی به تشکیلات خودگردان، باعث اختلاف میان حماس و تشکیلات خودگردان شد و در فوریه ۲۰۰۷ رهبران حماس و فتح در مکه بر سر تقسیم قدرت توافق نمودند و در همان سال، دولت متحد ملی فلسطین تشکیل شد. در ماه مه ۲۰۰۷ اختلاف داخلی میان دو گروه فلسطینی سبب جنگ داخلی و باعث شد که حماس به‌صورت عملی قدرت سیاسی در غزه را در اختیار گیرد. در مقابل، محمود عباس، دولت متحد ملی فلسطین را منحل اعلام و دولت اضطراری تشکیل داد و سلام فیاض را به‌عنوان نخست‌وزیر انتخاب نمود. از آن زمان تا کنون، غزه در اختیار حماس و کرانه باختری در کنترل دولت خودگردان است.^{۵۴} با وجود این، باید توجه داشت زمانی که اختلافات داخلی در اداره بخش‌هایی از سرزمین ایجاد می‌شود، دولت‌بودگی نفی نمی‌شود. در خصوص فلسطین، علی‌رغم کنترل عملی غزه توسط حماس، این دو بخش در سطح بین‌المللی به‌عنوان یک واحد عمل می‌کنند. در مارس ۲۰۰۸ رهبری هر دو بخش با یکدیگر در صنعا، اعلامیه‌ای را صادر کردند که در آن اتحاد مردم، سرزمین و حکومت فلسطین را تأیید کردند و حماس، خود را ذیل چتر نهادهای نمایندگی فلسطین که در سطح بین‌المللی فعالیت می‌کنند،

53. Mendes, *Statehood and Palestine for the Purposes of Article 12(3) of the ICC Statute: a Contrary Perspective*, 17.

۵۴. طباطبایی و محبی، همان، ۱۵۱-۱۵۲.

دانست.^{۵۵} به این ترتیب، اداره مستقل سرزمین‌های نوار غزه و کرانه باختری، به معیار حکومت در فلسطین آسیبی نمی‌زند زیرا صلاحیت‌هایی که به دولت خودگردان منتقل شده است از جمله صلاحیت انجام امور قضایی، امور پلیسی، قانونگذاری، خدمات اجرایی مانند آموزش، رفاه اجتماعی و مالیات از جمله اموری هستند که حکومت متکفل انجام آن‌هاست. این موضوع که تمامی صلاحیت‌های دولتی مانند کنترل مرزها به دولت خودگردان واگذار نشده نیز نمی‌تواند به استقرار حکومت در فلسطین آسیب بزند زیرا از دیدگاه حقوق بین‌الملل لازم نیست که یک نهاد، انجام تمامی مسئولیت‌ها را بر عهده داشته باشد تا بتوان آن را دولت دارای حکومت نامید.^{۵۶} علاوه بر این باید به این موضوع نیز توجه داشت که حکومت مستقر در فلسطین به دلیل وضعیت اشغال این منطقه توسط اسرائیل، توانایی کنترل مؤثر یا اعمال استقلال کامل را ندارد ولی چنان که دیوان هم در نظریه مشورتی اخیر خود در موضوع اشغال فلسطین به آن اشاره کرده، وضعیت اشغال، وضعیت موقت برای ضرورت نظامی است و باعث انتقال حاکمیت به قدرت اشغالگر نمی‌شود.^{۵۷}

۲-۴. توانایی برقراری رابطه با دیگر دولت‌ها

توانایی برقراری رابطه با دیگر دولت‌ها، حق انحصاری دولت تلقی نمی‌شود. مقامات خودمختار ملی، جنبش‌های آزادی‌طلب و شورشیان نیز صلاحیت برقراری رابطه با دیگر دولت‌ها و دیگر تابعان حقوق بین‌الملل را دارند.^{۵۸} در نتیجه، صلاحیت ایجاد رابطه با دیگر دولت‌ها بیش از آن که معیار دولت‌بودن باشد، نتیجه دولت‌بودن است. بنابراین، تا زمانی که نهادی دارای شخصیت حقوق بین‌المللی نباشد، توانایی ایجاد رابطه با دیگر دولت‌ها را ندارد؛ مثل ایالات دولت فدرال که فاقد شخصیت حقوقی مستقل هستند. همچنین صلاحیت ایجاد رابطه با دیگر دولت‌ها مستلزم شناسایی آن دولت توسط دیگر دولت‌ها است، اگرچه با قبول نظریه شناسایی اعلامی در حقوق بین‌الملل، شناسایی، عاملی برای تشکیل دولت نیست. به رسمیت شناخته شدن بدان معناست که دولت توانایی برقراری رابطه با کشورهای دیگر را دارد.^{۵۹} از این رو عینیت یافتن این ویژگی به رفتار سایر بازیگران در صحنه بین‌المللی بستگی دارد. گو اینکه یک نهاد جهت ایجاد روابط خارجی دارای صلاحیت است اما اگر سایر دولت‌ها با آن ارتباط برقرار نکنند، نهاد مورد بحث، در عمل فرصت اثبات

55. John Quigley, *The Statehood of Palestine, International Law in the Middle East Conflict*, (Cambridge: Cambridge University Press, 2010), 217.

56. Michele Pitta, "Statehood and Recognition: The Case of Palestine", Master in Diplomacy and International Public Service, University of Barcelona, 2018, 19. Available at: https://diposit.ub.edu/dspace/bitstream/2445/123175/1/TFM_Michele_Pitta.pdf, Accessed: 19/10/2024.

57. *Legal Consequences arising from the Policies and Practices of Israel in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem*, para. 105.

58. Crawford, *the Criteria for Statehood in International Law*, 119.

صلاحیت خود را از دست می‌دهد. نمونه این امر، اعلام استقلال دولت رودزیای جنوبی در ۱۹۶۵ بود که با وجود دارا بودن سایر ویژگی‌ها، دولت‌های دیگر مایل به ایجاد رابطه با آن نبودند و جامعه بین‌المللی نیز آن را به‌عنوان دولت به رسمیت نشناخت.^{۶۰}

اگرچه دولت خودگردان بر مبنای اعلامیه اصول، فاقد اختیار و مسئولیت در حوزه روابط خارجی شده بود، در عمل، جنبش آزادی‌بخش فلسطین از توانایی انعقاد توافقنامه‌های بین‌المللی با دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی دیگر، به نفع دولت خودگردان برخوردار بود.^{۶۱} به عبارت دیگر، دولت خودگردان دارای صلاحیت انجام امور خارجی نیز بوده اما از طریق جنبش آزادی‌بخش آن را اعمال می‌کرد. همچنین امروزه دیگر نمی‌توان تمایز دقیقی میان جنبش آزادی‌بخش فلسطین و دولت خودگردان قائل شد. افزون بر این، تا سال ۲۰۲۴، ۱۴۶ دولت از ۱۹۳ دولت عضو سازمان ملل متحد، دولت فلسطین را شناسایی کرده‌اند^{۶۲} و فلسطین در حال حاضر با بیش از ۶۰ کشور رابطه دیپلماتیک و کنسولی دارد.^{۶۳}

دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در نظر مشورتی خود، ضمن بیان آثار حقوقی صدور این نظریه بر سایر دولت‌ها با یادآوری قطعنامه‌های مرتبط صادره از مجمع عمومی و شورای امنیت، تعهد به عدم شناسایی تغییرات در ماهیت فیزیکی و جمعیتی، ساختارهای نهادی یا وضعیت سرزمین تحت اشغال اسرائیل در ۵ ژوئن ۱۹۶۷ از جمله بیت‌المقدس شرقی، به‌جز موارد مورد توافق طرفین از طریق مذاکرات و لزوم ایجاد تمایز بین سرزمین اسرائیل و سرزمین فلسطین اشغالی از ۱۹۶۷ را بیان می‌دارد و به‌ویژه تعهد به خودداری از انعقاد روابط معاهداتی و مبادلات اقتصادی یا تجاری با اسرائیل در همه مواردی را که در آن، اسرائیل در رابطه یا از طرف سرزمین فلسطین اشغالی یا در موضوعات مرتبط با آن یا بخشی از سرزمین آن عمل می‌کند مقرر می‌دارد و اشاره می‌کند که دولت‌ها در ایجاد و حفظ مأموریت‌های دیپلماتیک خود از شناسایی حضور غیرقانونی اسرائیل در سرزمین فلسطین اشغالی پرهیز کنند.^{۶۴} به عبارت ساده‌تر، دیوان برای فلسطین شخصیت حقوقی مجزایی قائل شده و اسرائیل، صلاحیت برقراری روابط خارجی از طرف یا در رابطه با سرزمین فلسطین اشغالی را ندارد.

61. Rewand Hajjaj, "International Recognition Evolving Statehood Criterion: Comparative Analysis of Palestine and Kosovo", Master Thesis, Central European University, 2012, 33.

62. Aljazeera, Mapping which countries recognise Palestine in 2024, 2024, Available at: <https://www.aljazeera.com/news/2024/5/22/mapping-which-countries-recognise-palestine-in-2024>, Accessed: 21/10/2024.

63. Embassies.info., "Palestine's Embassies, Consulates, and Representative Offices", Available at: <https://embassies.info/palestine>, Accessed: 21/10/2024.

64. Legal Consequences arising from the Policies and Practices of Israel in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, para. 278.

۳. اهمیت شناسایی فلسطین به عنوان دولت: رویه دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی

تردیدی نیست که جامعه بین‌المللی به روشنی به این موضوع اذعان دارد که حق بر تعیین سرنوشت فلسطینیان باید از طریق ایجاد یک کشور مستقل برآورده شود و روی دیگر سکه تأیید وضعیت اشغال صورت گرفته از سوی اسرائیل، لاجرم شناسایی حق بر تعیین سرنوشت مردم فلسطین است. با این حال و علی‌رغم محقق بودن شروط دولت بودن در مورد فلسطین، تلاش‌های بین‌المللی در حل و فصل کامل این مناقشه موفق نبوده است. به عبارتی، در حالی که بهره‌مندی از حق بر تعیین سرنوشت می‌تواند ابعاد مختلفی داشته باشد، در خصوص فلسطین شکی وجود ندارد که شناسایی آن برای این ملت، حق بر تعیین سرنوشت سیاسی و حق بر دولت‌بودگی را تضمین می‌کند.

حق بر دولت‌بودگی مردم فلسطین حتی به‌وضوح به دوران جامعه ملل برمی‌گردد. این حق در قالب قیمومت تصریح شده بود که جوامعی که سابقاً متعلق به امپراطوری ترک بودند، به سطحی از توسعه رسیده‌اند که موجودیت آن‌ها به عنوان ملت مستقل می‌تواند مشروط به ارائه کمک و مشاوره اداری از سوی سرپرست به‌طور موقت شناسایی شود تا زمانی که آن‌ها قادر به استقلال باشند. در این معنا، استقلال ملت فلسطین به صورت موقت پذیرفته شده بود. پس از آن قطعنامه ۱۸۱ مجمع عمومی نیز تشکیل دولت فلسطین را ظرف مهلت دو ماه از زمان خروج بریتانیا خواستار شده بود. بعد از آن هم این رویکرد همواره در ملل متحد معتبر بود. قطعنامه ۳۲۳۶ برای مثال، بر حق غیرقابل انکار مردم فلسطین از جمله نسبت به حق تعیین سرنوشت بدون دخالت خارجی و حق استقلال ملی و حاکمیت تأکید کرده است.^{۶۵} در قطعنامه ۴۳/۱۷۷ نیز ضمن شناسایی اعلامیه تشکیل دولت فلسطین، تصریح شد که ضرورت دارد به مردم فلسطین امکان داده شود تا بر سرزمین‌های خود که از ۱۹۴۷ تحت اشغال است، اعمال حاکمیت کنند.^{۶۶} در نهایت، اصرار مجمع عمومی بر این رویکرد و تلاش‌های مجدانه ملت فلسطین، جایگاه دولت غیرعضو ناظر را در ملل متحد برای آن‌ها به ارمغان آورد.^{۶۷}

با اینکه استفاده ایالات متحده از حق وتو در شورای امنیت، مانع از عضویت کامل فلسطین در سازمان ملل شده است، در نهایت می‌توان تصمیم مجمع عمومی را که از سوی اکثریت قاطعی از کشورها راجع به دولت‌بودن فلسطین اتخاذ شده است، حاکی از شناسایی جمعی فلسطین دانست.^{۶۸} «مجمع عمومی در قطعنامه خود در خصوص وضعیت دولت فلسطین مورخ ۱۰ مه ۲۰۲۴ حقوق قابل توجهی را برای این دولت به تصویب رساند تا در هفتادونهمین اجلاس سالانه مجمع عمومی

65. UNGA, A/RES/3236(XXIX), 1974.

66. UNGA, A/RES/43/177, 1988.

67. UNGA, Status of Palestine in the United Nations, A/RES/67/19, 2012.

68. See: Sebastian Relitz, "The Stabilisation Dilemma: Conceptualising International Responses to Secession and De facto States", *East European Politics* 35, 3 (2019): 311–331.

در ماه سپتامبر، این دولت از آن بهره‌مند شود.^{۶۹} برخی از این موارد عبارت‌اند از: قرارگرفتن نام دولت فلسطین در ردیف الفبایی نام دولت‌های عضو، ارائه بیانیه به نمایندگی از گروهی از دولت‌ها، شامل تدوین و ارائه پیشنهادها و اصلاحات، تدوین و ارائه پیشنهادها و اصلاحات به همراه دیگر دول یا به نمایندگی از گروهی از دولت‌ها. به نظر می‌رسد مجمع عمومی در این قطعنامه تلاش نموده در چارچوب حقوق سازمان و بی‌آنکه به صلاحیت‌های دیگر ارگان‌های ملل متحد خدشه‌ای وارد آید، دولت فلسطین را به عضویت مجمع عمومی درآورد.^{۷۰} بسیاری از حقوق‌دانان، عضویت در سازمان‌های بین‌المللی را به منزله شناسایی جمعی در نظر گرفته‌اند.^{۷۱} به‌علاوه، این شناسایی تنها محدود به ملل متحد نمانده و فلسطین از زمان اعلام استقلال، از سوی یونسکو، دیوان کیفری بین‌المللی، اتحادیه عرب و سازمان همکاری اسلامی هم به‌عنوان دولت شناسایی شده و در سطح حداقلی، اتحادیه اروپا^{۷۲} و اتحادیه آفریقا^{۷۳} از راه‌حل دو دولتی برای فلسطین حمایت کرده و در میان ۱۴۶ کشور از سراسر دنیا، برخی کشورهای اروپایی مانند سوئد، اسپانیا، ایرلند و نروژ نیز دولت فلسطین را به رسمیت شناخته‌اند.^{۷۴}

با وجود دو نظر مشورتی مهم دیوان بین‌المللی دادگستری که به‌ویژه نقش مؤثری در تبیین لزوم شناسایی حق بر تعیین سرنوشت ملت فلسطین و آثار آن داشت، تصمیم دیوان در مورد دو قضیه‌ای که طی سال‌های اخیر مطرح شده و رسیدگی به آن همچنان جریان دارد نیز می‌تواند تأثیر قابل‌توجهی در تبیین جایگاه حقوقی فلسطین برای جامعه جهانی داشته باشد. در یکی از این پرونده‌ها که ناظر بر طرح موضوع ارتکاب نسل‌زدایی از سوی اسرائیل در سرزمین فلسطین توسط

69. UNGA, A/ES-10/L.30/Rev.1, 2024.

۷۰. علی‌اکبر سیاپوش، «درخواست دولت فلسطین برای عضویت در سازمان ملل از منظر حقوق بین‌الملل»، *تالار گفتگوی انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد*، ۱۴۰۳، قابل دسترسی در: <https://unstudied.ir/iauns-forum/> درخواست-دولت-فلسطین-برای-عضویت-در-سازمان-ملل-از-منظر-حقوق-بین-الملل /، بازدید: ۱۴۰۳/۸/۲.

۷۱. ن.ک: حسین رضازاده و امیرحسین رنجبریان، «شناسایی جمعی فلسطین»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی* ۴۹، ۱(۱۳۹۸).

۷۲. اخیراً و پس از بحران انسانی غزه، اتحادیه اروپا با اتخاذ سیاست‌های قاطع‌تری حمایت خود را از فلسطین نشان داده است. در نوامبر ۲۰۲۴ دکتر *امل جادو*، استوارنامه خود را به‌عنوان نماینده فلسطین در اتحادیه اروپا به جوزپ بورل، نماینده عالی سیاست خارجی و امنیت اتحادیه اروپا و معاون کمیسیون اروپا طی مراسمی رسمی که در مقر اتحادیه اروپا در بروکسل برگزار شد، تقدیم کرد. قابل دسترسی در:

Palestinian Diplomat Dr Amal Jadou Shakaa Takes Up Key Role as Ambassador to the EU, Available at: <https://english.pnn.ps/index.php/news/47264>, 2024, Accessed: 16/12/2024.

73. African Union Commission Chairperson reiterates Two State Solution for Palestine and Israel in meeting with Ambassador of the State of Israel to Ethiopia, 2021, Available at: <https://au.int/en/pressreleases/20210722/african-union-commission-chairperson-reiterates-two-state-solution-palestine>, Accessed: 16/12/2024.

74. Aljazeera, Mapping which countries recognise Palestine in 2024, 2024, Available at: <https://www.aljazeera.com/news/2024/5/22/mapping-which-countries-recognise-palestine-in-2024>, Accessed: 21/10/2024.

دولت آفریقای جنوبی در دیوان است، دولت فلسطین در ۳۱ مه ۲۰۲۴ ذیل ماده ۶۲ و ۶۳ اساسنامه دیوان، درخواست ورود به‌عنوان ثالث و اعلامیه ورود ثالث خود را در دعوای آفریقای جنوبی علیه اسرائیل به دفتر دیوان بین‌المللی دادگستری ارائه کرد.^{۷۵} در همین تاریخ، فلسطین با استناد به قطعنامه شورای امنیت در ۱۹۴۶^{۷۶} اعلامیه‌ای را در دفتر دیوان ثبت کرد که صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری را در مورد حل و فصل همه اختلافاتی که احتمال دارد به موجب ماده ۹ کنوانسیون ژنوسید در دیوان مطرح شود با اثر فوری می‌پذیرد. در این ارتباط، به نظر می‌رسد اسرائیل به این موضوع ایراد وارد کند و فلسطین را به دلیل دولت‌نبودن، فاقد حق استناد به قطعنامه مزبور تلقی نماید که در این مورد اظهارنظر دیوان درباره امکان استفاده فلسطین از ظرفیت قطعنامه مزبور در مقام دولت غیرعضو ملل متحد قابل توجه خواهد بود. علاوه بر این، در شکایت مربوط به ۲۸ سپتامبر ۲۰۱۸ فلسطین از ایالات متحده آمریکا که پیش‌تر هم به آن اشاره شد، فلسطین انتقال سفارت آمریکا از تل‌آویو به بیت‌المقدس را نقض قواعد بین‌المللی ازجمله قواعد راجع به روابط دیپلماتیک و وضعیت بیت‌المقدس می‌داند و به‌عنوان مبنای صلاحیتی دیوان در این خصوص، به ماده ۱ پروتکل اختیاری کنوانسیون وین راجع به روابط دیپلماتیک ناظر بر حل و فصل اجباری اختلافات ۱۹۶۱ استناد می‌نماید. با این حال، ایالات متحده در نامه‌ای در ۲ نوامبر ۲۰۱۸ دیوان را از نظر خود در این باره مطلع می‌کند که خود را دارای رابطه معاهداتی با خواهان ذیل کنوانسیون وین یا پروتکل آن نمی‌داند و قبلاً این موضوع را طی مکاتباتی به دبیرکل ملل متحد اعلام کرده بود.^{۷۷} تصمیم دیوان در هر یک از این موضوعات می‌تواند در روند دستیابی فلسطین به حقوق خود بسیار سازنده باشد.

به هر روی، اتخاذ گام‌های عملی حداقلی پیش‌گفته، تبیین دقیق حقوق ملت فلسطین و تعیین وضعیت و جایگاه حقوقی آن به‌عنوان دولتی برخوردار از حقوق شناخته‌شده بین‌المللی، برای بیان التزام جدی دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی به رعایت حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین ضروری به شمار می‌رود. در حالی که امروزه در حقوق بین‌الملل عمدتاً بر دکتین اعلامی بودن شناسایی تأکید می‌شود، دکتین تأسیسی بودن شناسایی در ارتباط با موجودیت‌هایی مانند فلسطین می‌تواند به پذیرش جایگاه آن‌ها به‌عنوان دولت بیشتر کمک کند.

75. Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide in the Gaza Strip (South Africa v. Israel), Application for permission to intervene and declaration of intervention submitted by Palestine, I.C.J. Reports, 3 June 2024.

76. UNSC, Resolution 9, 15 October 1946

77. Relocation of the United States Embassy to Jerusalem (Palestine v. United States of America), I.C.J. Report, Order of 15 November 2018.

۴. حلقه مفقوده میان دولت‌بودگی و پذیرش در جامعه بین‌المللی: از تایوان تا

تیمور شرقی

با توجه به اینکه اساساً جامعه جهانی با واقعیت وجود دولت فلسطینی بر روی زمین مواجه است، همواره بر حق بر تعیین سرنوشت در معنای حق بر دولت‌بودن آن تأکید می‌کند و حتی این موجودیت به‌عنوان دولت در سطح وسیعی شناسایی شده است، اما چرا همچنان از سوی برخی از اندیشمندان حقوقی و نیز دولت‌ها، تردیدهایی در مورد دولت‌بودگی فلسطین مطرح می‌گردد؟ فاصله بین حق بر دولت‌بودگی فلسطین که کلیت جامعه جهانی در مورد آن توافق دارد و دولت‌بودگی فلسطین از منظر نهادهای محدودی که آن را نفی می‌کنند، بر چه مبنایی در حقوق بین‌الملل پر خواهد شد؟ چطور عدم شناسایی برخی نهادهای محدود می‌تواند چنین تردید عظیمی ایجاد کند؟ واقعیت این است که یک جامعه بین‌المللی وجود دارد که قدر متیقن بر حق بر دولت‌بودگی فلسطین تأکید دارد، معیارهایی برای شکل‌گیری دولت وجود دارد که فلسطین حتی به گواهی دیوان بین‌المللی دادگستری از آن‌ها برخوردار است، اکثریت دولت‌ها فلسطین را به‌عنوان دولت شناسایی کرده‌اند.

در عین حال جز شروط مقرر در کنوانسیون مونته‌ویدئو که لزوماً جمع آن‌ها موجب پذیرش یک موجودیت به‌عنوان دولت در میان اعضای جامعه بین‌المللی نمی‌شود، حقوق بین‌الملل، سازوکار مشخصی برای تشکیل دولت ندارد. برای مثال، در حالی که تایوان به‌روشنی دارای مؤلفه‌های دولت‌بودن است، نمی‌توان جایگاه مشخصی برای آن به‌عنوان دولت در جامعه بین‌المللی لحاظ کرد! نمی‌توان انکار کرد که برای این معضل تایوان، مبنایی در عالم حقوق و لذا راه‌حلی در این فضا قابل ارائه نیست. نمی‌توان انکار کرد که ساختار وستفالیایی موجود که برخورداری از قاطبه حقوق بین‌المللی را منوط به دولت‌بودن می‌کند، امتیاز دولت‌بودگی را به‌راحتی در دسترس موجودیت‌های جدید قرار نخواهد داد. با وجود اینکه دولت‌نبودن فلسطین، دیدگاه اقلیت کوچکی در جهان است و بیش از ۷۰ درصد کشورها فلسطین را به‌عنوان دولت شناسایی می‌کنند، نظام وستفالیایی موجود تصمیم می‌گیرد که کدام دولت به حد کافی برای عضویت در جامعه جهانی که عضویت در سازمان ملل متحد نمود عینی آن است، شایستگی دارد و کدام‌یک هنوز از آمادگی لازم برای برعهده‌گرفتن تعهدات بین‌المللی برخوردار نیست.

اساساً ذیل پنداره‌های استعماری چنین نظمی بوده که از ابتدای تاریخ فلسطین پس از امپراطوری عثمانی، قید قیمومت و مصائب متعاقب آن به پای این ملت بسته شد. به موجب مبنای اولیه چنین نظامی، اصلاح عینیات ناعادلانه موجود تا حد قابل‌توجهی غیرممکن و قدرت‌نمایی تصمیم‌گیری در چارچوب آن، به‌صورت هویدا و نهان در دست دولت‌های غربی باقی ماند. در حال

حاضر هم بعد از تحمل سال‌ها ظلم و اشغال، این دولت‌ها معتقدند با توجه به اینکه فلسطین معیارهای لازم را برای دولت‌بودن ندارد، از شایستگی عضویت در جامعه جهانی برخوردار نیست و از حقوق دولت‌بودن بی‌بهره خواهد ماند. همان‌طور که ۷۰ سال پیش در قالب میثاق جامعه ملل تصمیم گرفته شده که فلسطین دولت نباشد و قیمومت آن به بریتانیا سپرده شود^{۷۸} و بعد با توجه به این گزاره‌ها که: (۱) فلسطین دولت نبود و (۲) اشغال فقط در مورد دولت‌ها اتفاق می‌افتد، اسرائیل به راحتی بیش از نیمی از سرزمین تاریخی آن را تصرف کرد، در حالی که جامعه بین‌المللی وصف اشغال را هرگز برای آن محدوده نپذیرفت و اکنون نیز چنین ادعایی به کلی منسوخ به نظر می‌رسد. این استدلال‌ها مورد پذیرش همه حقوق‌دانان نیست اما بدون شک، اقلیتی همچنان بر این نظراند که فلسطین قادر به اداره امور و برعهده گرفتن تعهدات و مسئولیت‌های حقوق بین‌الملل نیست و همین موضوع ساده می‌تواند مانعی برای دولت‌بودن آن باشد. برای مثال، جیمز کر/فورد استدلال می‌کند که در حالی که شناسایی بین‌المللی مهم است و می‌تواند به تقویت وضعیت یک واحد سرزمینی کمک کند، در حال حاضر، تأسیس دولت، بیشتر مسئله‌ای حقوقی و مؤثر است، مانند توانایی دولت در انجام وظایف و پذیرش مسئولیت‌های مرتبط با دولت‌بودگی. او در همین راستا معتقد است «فلسطین هنوز به واقعیتی فراتر از آرزو تبدیل نشده است».^{۷۹} این در حالی است که در گزارش هماهنگ‌کننده ویژه سازمان ملل برای خاورمیانه که در ۱۲ آوریل ۲۰۱۱ منتشر شده بود، آمده تشکیلات خودگردان فلسطین در حوزه‌های بهداشت، آموزش، انرژی، عدالت و امنیت، مانند دولت عمل می‌کند و به صورت نهادینه به حمایت از حقوق بشر ملتزم است.^{۸۰} با این حال، نمی‌توان تردید کرد که استمرار وضعیت اشغال، به‌ویژه از نوع طولانی‌مدت آن می‌تواند بر کارکردهای دولت فلسطین اثرگذار بوده و آن را با چالش‌هایی مواجه کند. همان‌طور که نظر مشورتی ۲۰۲۴ اعلام می‌کند، سیاست‌ها و رویه‌های اسرائیل بر ابعاد مختلف زندگی فلسطینیان به‌طور منفی اثرگذار است و باید بلافاصله این شرایط پایان یابد. در نظر دیوان آمده: «آثار این سیاست‌ها و اقدامات اسرائیل شامل انضمام بخش‌هایی از سرزمین اشغالی فلسطین، چندپاره کردن این سرزمین، تضعیف یکپارچگی آن، محرومیت مردم فلسطین از بهره‌مندی از منابع طبیعی این سرزمین و خدشه به حق مردم فلسطین در تعقیب توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش می‌شود».^{۸۱} در مقابل، برخی قضات دیوان بر این نظر بودند که در عین حال که باید حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین رعایت شود، باید به حق بر امنیت اسرائیل نیز توجه شود و قدرت اشغالگر

78. Covenant of the League of Nations, 28 June 1919, Art. 22, Para. 4.

79. James Crawford, *The Creation of States in International Law*, 421.

80. Office of the United Nations Special Coordinator for the Middle East Peace Process, Palestine State-building: A Decisive Period, Ad Hoc Liaison Committee Meeting Brussels, 13 April 2011, 1, 18.

81. *Legal Consequences arising from the Policies and Practices of Israel in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem*, para. 256.

باید به محض اینکه دیگر نیازی به تضمین امنیت آن نباشد، به وضعیت اشغال پایان دهد.^{۸۲} به عبارت دیگر، این قضات، نظر دیوان مبنی بر پایان وضعیت اشغال در اسرع وقت را مورد انتقاد قرار داده‌اند اما این اظهارنظر از چند جهت قابل انتقاد است: نخست آنکه غیرقانونی بودن اشغال، به دلیل نقض مستمر قاعده ممنوعیت تهدید یا توسل به زور است و باید در اسرع وقت، این نقض قاعده پایان یابد؛ دوم آنکه حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین حتی پیش از پایان قیمومت انگلیس بر این منطقه نیز وجود داشت و باید بدون هیچ شرطی تحقق یابد. به عبارت دیگر، بنیان نهاد قیمومت بر قبول ضمنی حق تعیین سرنوشت قرار دارد^{۸۳} و اشغال غیرقانونی فلسطین، مهم‌ترین مانع در اجرا و احیای این حق است و باید در اسرع وقت برطرف شود. سوم، مطابق اظهارنظر دیوان و تأکید قاضی شو، اقدامات و سیاست‌های اسرائیل، با نگرانی‌های امنیتی قابل توجیه نیست و علاوه بر انضمام غیرقانونی بخش‌های بزرگی از فلسطین اشغالی، تغییرات ایجادشده در اثر این سیاست‌ها و اقدامات، نشان‌دهنده قصد ایجاد حضور دائمی و غیرقابل بازگشت اسرائیل در سرزمین فلسطین اشغالی است و امنیت اسرائیل از طریق سیاست‌ها و اقدامات یکجانبه و مخرب علیه مردم فلسطین قابل تضمین نیست.^{۸۴}

از این رو دیوان بر این عقیده است که تمامی دولت‌ها متعهدند وضعیت ناشی از حضور غیرقانونی اسرائیل در سرزمین اشغالی فلسطین را به‌عنوان وضعیت قانونی به رسمیت نشناسند، کمک یا مساعدتی در حفظ وضعیت ایجادشده نکنند و «ضمن احترام به منشور ملل متحد و حقوق بین‌الملل، اطمینان حاصل کنند که هرگونه مانعی که ناشی از حضور غیرقانونی اسرائیل در سرزمین اشغالی فلسطین برای اعمال حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین باشد، پایان یابد».^{۸۵} این بیان دیوان با قواعد مربوط به حقوق مسئولیت بین‌المللی نیز سازگاری دارد. در این زمینه، ماده ۴۱ طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل در موضوع مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها برای افعال متخلفانه بین‌المللی (۲۰۰۱) تعهد دولت‌ها برای پایان‌بخشیدن به نقض قواعد آمره بین‌المللی، عدم شناسایی نقض این قواعد و عدم اعطای کمک و مساعدت در حفظ وضعیت نقض قواعد آمره را مطرح می‌کند و ماده ۴۸ نیز در همین ارتباط مقرر داشته که دولت غیرزیان‌دیده در باب استناد به مسئولیت در رابطه با موارد نقض تعهدات عام‌الشمول می‌تواند از دولت مسئول خواستار توقف فعل متخلفانه بین‌المللی و دادن اطمینان و تضمین به عدم تکرار آن و اجرای تعهد به جبران خسارت به نفع دولت زیان‌دیده

82. Ibid, Joint Opinion of Judges Tomka, Abraham and Aurescu, Paras. 10, 11 and 36.

۸۳. ستار عزیزی، حق تعیین سرنوشت در آیین حقوق بین‌الملل، دفتر اول: حق تعیین سرنوشت خارجی، (همدان: دانشگاه بوعلی سینا، ۱۴۰۰)، ۹۸.

84. Ibid, Declaration of Judge Xue, para. 9.

85. Ibid, para. 279.

یا ذی‌نفع‌های تعهد نقض‌شده باشد.^{۸۶} دیوان با بیان تعهداتی مشابه برای سازمان ملل، اعلام می‌کند: «شروط دقیق برای پایان‌بخشیدن به حضور غیرقانونی اسرائیل در سرزمین اشغالی فلسطین، مسئله‌ای است که باید توسط مجمع عمومی که این نظر مشورتی را درخواست نموده و نیز شورای امنیت بررسی شود. بنابراین بر عهده مجمع عمومی و شورای امنیت است که بررسی کنند با لحاظ‌کردن نظر مشورتی حاضر، چه اقدام دیگری برای پایان‌بخشیدن به حضور غیرقانونی اسرائیل لازم است».^{۸۷}

نظر دیوان تا حدی پیشرو است و می‌تواند آثاری مانند تصویب قطعنامه A/ES-10/L.31/Rev.1 را در پی داشته باشد که علاوه بر سایر مفاد آن که از اسرائیل می‌خواهد ظرف ۱۲ ماه به حضور غیرقانونی خود در سرزمین اشغالی فلسطین پایان دهد.^{۸۸} اما در دوران اخیر، جامعه بین‌المللی تلاش‌های مؤثرتری در مورد برخی دیگر از موجودیت‌ها صورت داده تا با دولت‌سازی بین‌المللی به تحقق حق تشکیل دولت در مورد آنها کمک کند. «نقش سازمان ملل در تیمور شرقی پس از همه‌پرسی ۱۹۹۹ نمونه خوبی برای این موضوع است. موافقت‌نامه صلح ۵ مه ۱۹۹۹ امکان برگزاری همه‌پرسی درباره خودمختاری در داخل اندونزی یا استقلال کامل را بر اساس سه قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل -۱۵۱۴، ۱۵۴۱ و ۲۶۲۵- که برای به رسمیت‌شناختن حق تشکیل دولت برای مردم در مستعمرات سابق حیاتی بوده‌اند، فراهم کرد. این توافق همچنین به قطعنامه‌ها و تصمیمات مربوطه‌ای که توسط شورای امنیت و مجمع عمومی در مورد مسئله تیمور شرقی تصویب شده بودند، اشاره داشت که بیشتر آن‌ها حق تعیین سرنوشت و استقلال مردم تیمور شرقی را تأیید می‌کردند. زمانی که مردم در همه‌پرسی به استقلال رأی دادند، اداره موقت سازمان ملل در تیمور شرقی^{۸۹} برای آغاز فرآیند دولت‌سازی بین‌المللی طبق موافقت‌نامه صلح تأسیس شد. استقلال تیمور شرقی در ۲۰۰۲ با انتقال مسئولیت از این نهاد به عنوان رئیس‌جمهور تازه‌انتخاب‌شده تیمور شرقی مشخص شد».^{۹۰} البته این تفاوت عمل در موضوع تایوان و تیمور شرقی به جلوه‌های اعمال حق تعیین سرنوشت خارجی برمی‌گردد؛ به عبارت دیگر امروزه در حقوق بین‌الملل، اعمال حق تعیین سرنوشت برای مردمان تحت استعمار، به قاعده‌ای آمره بدل شده است در حالی که در رابطه با امکان اعمال این حق در وضعیت‌های غیراستعماری مانند تایوان، همواره با چالش‌ها و معضلات جدی‌تری مواجه بوده است.^{۹۱}

86. ILC, Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, 2001, Arts. 41 and 48.

87. Ibid. para. 281.

88. UNGA, A/ES-10/L.31/Rev.1, 2024

89. United Nations Transitional Administration in East Timor (UNTAET)

90. George Kyris, "The Recognition of a Right to Statehood and Palestine", *Ethnopolitics*, published Online (2024), Available at: <https://doi.org/10.1080/17449057.2024.2362510>, Accessed: 22/10/2024.

۹۱. عزیزی، همان، ۲۷.

اما طی ۷۰ سال اشغال، رنج و شکنجه، هرگز چنین اقداماتی در مورد فلسطین در دستور کار نهادهای بین‌المللی قرار نگرفت. این در حالی است که دادستان دیوان کیفری بین‌المللی نیز این نکته را با تیزی و آزادی کم‌نظیری مطمح‌نظر قرار داده است که اساساً محدودیت‌های فلسطین در اعمال حاکمیت بر تمامیت سرزمین‌های اشغالی، از جمله ناشی از نقض‌های مستمر حقوق بین‌الملل توسط اسرائیل نسبت به سرزمین‌های اشغالی است. از این رو مؤلفه‌های کنوانسیون مونته‌ویدئو اصولاً باید با انعطاف بیشتری در خصوص فلسطین به کار گرفته شود.^{۹۲} و ^{۹۳} به عبارت دیگر، اگر بخش کوچکی از جامعه بین‌المللی همچنان ادعا می‌کند که فلسطین به‌خوبی قادر به ایفای وظایف دولت نیست، این مسئله، دلیلی جز اشغال ندارد که رفع آن هم وظیفه خود این جامعه است، در حالی که در انجام آن اهمال می‌ورزد. در نهایت، با توجه به اهمال جامعه بین‌المللی نسبت به درک این نکته، به نظر می‌رسد «مانع واقعی برای رهایی فلسطین این است که نظم فعلی جهانی بر اساس سلسله‌مراتبی نژادی سازمان یافته و جوامعی مانند فلسطین به‌طور تاریخی به شکلی نابرابر به عضویت این نظم درآمده و متحمل بارهای سنگین‌تری می‌شوند».^{۹۴}

نتیجه

بحث دولت‌بودگی فلسطین موضوع چندان پیچیده‌ای نیست، بلکه صرفاً عامل اشغال مستمر مانع اعمال حاکمیت کامل آن شده است. در شرایطی که اساساً حقوق بین‌الملل فاقد چارچوب‌ها و الزامات روشن و مشخصی در مورد مسئله تشکیل دولت و پذیرش آن از سوی جامعه جهانی است، حل بحران فلسطین عمده‌تاً چالشی سیاسی و نه حقوقی است. زیرا از منظر حقوقی، هر موجودیتی با برخورداری از معیارهای لازم برای دولت‌بودگی، دولت می‌باشد و در این میان، اصولاً حتی شناسایی نقشی صرفاً اعلامی دارد.

با این حال، عمده‌تاً اعتقاد بر این است که نحوه رفتار سایر نهادها در سطح بین‌المللی با موجودیت جدید، در فرض تحقق شروط کنوانسیون مونته‌ویدئو، اگرچه تأثیری در نفس دولت بودن آن ندارد ولی می‌تواند در پذیرش آن دولت جدید در سطح بین‌المللی، تعیین‌کننده باشد که نموده‌های آن را می‌توان در قالب عضویت در سازمان‌های بین‌المللی یا شناسایی و برقراری روابط دیپلماتیک دید

92. ICC (Office of the Prosecutor), Prosecution request pursuant to article 19(3) for a ruling on the Court's territorial jurisdiction in Palestine, Situation in the State of Palestine, 22 January 2020, 137-138.

۹۳. این اظهارنظر نقش مؤثری در تسهیل تصمیم‌گیری شعبه مقدماتی دیوان کیفری بین‌المللی در راستای پاسخگو کردن قدرت اشغالگر داشت.

See: ICC (Pre-Trial Chamber I), Decision on the Prosecution request pursuant to article 19 (3) for a ruling on the Court's territorial jurisdiction in Palestine, Situation in the State of Palestine, 5 February 2021.

94. Alonso Gurmendi, "If Palestine is a State": the Two-State Solution and Palestine's Position in the Westphalian Myth, *Opinio Juris*, 2023, available at: <https://opiniojuris.org/2023/12/16/if-palestine-is-a-state-the-two-state-solution-and-palestines-position-in-the-westphalian-myth/>, Accessed: 22/10/2024.

و در این راستا، توانایی دولت در برعهده‌گرفتن تعهدات و مسئولیت‌های دولت و انجام وظایف مربوطه و اعمال حاکمیت مؤثر، نقش اصلی را در پذیرش دولت به‌عنوان عضوی از اعضای جامعه جهانی ایفا می‌کند. اما در مورد فلسطین، در نهایت باید در نظر داشت که فلسطین، هم عضویت برخی نهادهای بین‌المللی را به دست آورده و از سوی تعداد قابل‌ملاحظه‌ای از دولت‌ها به‌عنوان دولت شناسایی شده و روابط دیپلماتیک بین فلسطین و دولت‌های مزبور برقرار است و هم به گواهی گزارش‌های نهادهای بین‌المللی از مؤلفه‌های دولت‌بودن برخوردار است و در عمل، به انجام وظایف دولتی نسبت به مردم خود می‌پردازد.

البته بدیهی است که به‌عنوان دولتی که از ابتدای تاریخ مدرن خود همواره تحت اشغال اسرائیل قرار داشته، اصولاً نباید از آن انتظار ایفای تمام و کمال کلیه تکالیف و تعهدات دولت مقتدر را داشت، چرا که اساساً اشغال حتی در صورت وقوع در سرزمین دولت‌های از پیش موجود هم می‌تواند بسیاری از اقدامات و تدابیر حاکمیت را با چالش‌های جدی مواجه کند. در چنین شرایطی و با توجه به وضعیت بحرانی فلسطین، اساساً جامعه بین‌المللی از جمله شامل دولت‌ها و سازمان ملل متحد وظیفه دارند همان‌طور که دیوان بین‌المللی دادگستری در نظر مشورتی ۲۰۲۴ خود اعلام کرد، فوراً به وضعیت اشغال خاتمه دهند. در عین حال، اصولاً به نظر می‌رسد جامعه بین‌المللی موظف است دین ۷۰ ساله خود را در قبال پذیرش دولت‌بودگی فلسطین ادا کرده و اقدامات جدی‌تر و مؤثرتری مانند آنچه در مورد تیمور شرقی انجام شد، در راستای پذیرش کامل دولت فلسطین در میان اعضای خود بر عهده بگیرد. تردیدی نیست که اتخاذ برخی گام‌های نسبتاً متهورانه مانند صدور نظریات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در ۲۰۰۴ و ۲۰۲۴، درخواست دادستان دیوان کیفری بین‌المللی در مورد وضعیت فلسطین در ۲۰۲۰ و پیرو آن صدور رأی ۵ فوریه ۲۰۲۱ شعبه مقدماتی این دیوان^{۹۵} یا تصویب برخی قطعنامه‌های مجمع عمومی که تلاش می‌کند جایگاه این دولت را در سازمان علی‌رغم چالش ساختاری موجود ارتقا دهد، می‌تواند به‌عنوان نقاط عطفی در تاریخ دولت‌بودگی فلسطین محسوب شود؛ آنجا که عدالت، ساختارهای سلسله‌مراتب نژادی نانوشته را برهم زده و رو در روی واقعیت، برای اصلاح وضعیت موجود می‌ایستد.

۹۵. پیرو اعطای وضعیت دولت ناظر غیرعضو به فلسطین از سوی ملل متحد، این دولت در ۲۰۱۵ به اساسنامه رم پیوست و در ۲۰۱۸ رسیدگی به جنایات ارتكابی در سرزمین خود را از دیوان کیفری بین‌المللی درخواست نمود. نظر به وجود ابهاماتی پیرامون وضعیت فلسطین، دادستان دیوان از شعبه مقدماتی درخواست کرده بود در این خصوص تعیین تکلیف نماید. شعبه مقدماتی درباره امکان اعمال صلاحیت دیوان بر جرایم وقوع‌یافته در خاک فلسطین، خود را ملزم به بررسی مؤلفه‌های دولت‌بودن در حقوق بین‌الملل ندید و صرف پذیرش اساسنامه رم را که منحصرأ برای دولت‌ها امکان‌پذیر است، جهت اعمال صلاحیت دیوان کافی تلقی کرد.

(ICC (Pre-Trial Chamber I), Decision on the Prosecution request pursuant to article 19 (3) for a ruling on the Court's territorial jurisdiction in Palestine, Situation in the State of Palestine, 5 February 2021).

منابع:

– کتاب

۱. اسلامی، رضا. *آیا حقوق بشر؟ راهنمای هنجاری حقوق مدنی-سیاسی برای توانمندی و مطالبات جامعه مدنی*. تهران: نشر مجد، ۱۳۹۵.
۲. ضیائی بیگدلی، محمدرضا. *حقوق بین‌الملل عمومی*. تهران: گنج دانش، ۱۳۸۸.
۳. _____ . *حقوق جنگ*. تهران: نشر دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۰.
۴. عزیزی، ستار. *حق تعیین سرنوشت در آیین حقوق بین‌الملل*، دفتر اول: حق تعیین سرنوشت خارجی، همدان: دانشگاه بوعلی سینا، ۱۴۰۰.
۵. کک دین، نگوین، دینیه، پاتریک و آلن، پله. *حقوق بین‌الملل عمومی*. ترجمه: حسن حبیبی، جلد اول، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۲.
۶. والاس، ریکا. *حقوق بین‌الملل*. ترجمه و تحقیق: سیدقاسم زمانی و مهنّاز بهراملو، تهران: شهر دانش، ۱۳۹۰.
۷. هاشمی، سیدمحمد. *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*. جلد دوم، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۹.

– مقاله

۱. بحرینی، جلال و محمدحسین رضانی قوام‌آبادی. «امکان‌سنجی رسیدگی دیوان بین‌المللی کیفری به وضعیت فلسطین و تبعات احتمالی آن». *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، انتشار آنالین، (۱۴۰۱).
۲. رضازاده، حسین و امیرحسین رنجبریان. «شناسایی جمعی فلسطین». *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی* ۴۹، ۱ (۱۳۹۸).
۳. زمانی، سیدقاسم. «ماهیت حقوقی داعش در حقوق بین‌الملل: دولت یا بازیگر غیردولتی؟». *دولت‌پژوهی* ۱ (۱۳۹۴).
۴. سیاپوش، علی‌اکبر. «درخواست دولت فلسطین برای عضویت در سازمان ملل از منظر حقوق بین‌الملل». *تالار گفتگوی انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد*، (۱۴۰۳)، قابل دسترسی در: <https://unstudied.ir/iauns-forum/> درخواست-دولت-فلسطین-برای-عضویت-در-سازمان-ملل-از-منظر-حقوق-بین-الملل/، بازدید: ۱۴۰۳/۸/۲.
۵. طباطبائی، سیداحمد و داوود محبی. «حقوق بین‌الملل و تشکیل کشور مستقل فلسطینی». *فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل* ۱، ۱۱ (۱۳۹۳).

ب. انگلیسی

- Books

1. Aust, Anthony. *Handbook of International Law*. New York: Cambridge University Press, 2005.
2. Crawford, James. *The Creation of States in International Law*. Oxford: Oxford University Press, 2007.
3. Quigley, John. *The Statehood of Palestine, International Law in the Middle East Conflict*. Cambridge: Cambridge University Press, 2010.

- Articles

1. Batistich, Marija, "The Right to Self-Determination and International Law". *Auckland University Law Review* 7, (1995).
2. Crawford, James, "the Criteria for Statehood in International Law". *British Yearbook of International Law* 48, 1, (1977).
3. Farsakh, Leila, "The Question of Palestinian Statehood: Is partition the only path to self-determination?". *Boston Review*, 5 June 2024. Available at: <https://www.bostonreview.net/articles/the-question-of-palestinian-statehood/>, Accessed: 17/10/2024.
4. Kyriz, George, "The Recognition of a Right to Statehood and Palestine", *Ethnopolitics*, published Online, (2024), Available at: <https://doi.org/10.1080/17449057.2024.2362510>, Accessed: 22/10/2024.
5. Mendes, Errol, "Statehood and Palestine for the Purposes of Article 12(3) of the ICC Statute: a Contrary Perspective". (2010), Available at: <https://www.icc-cpi.int/sites/default/files/NR/rdonlyres/D3C77FA6-9DEE-45B1-ACC0-B41706BB41E5/281876/OTPErrolMendesNewSTATEHOODANDPALESTINEFORTHEPURPOS.pdf>, Accessed: 26/10/2024.
6. Relitz, Sebastian, "The Stabilisation Dilemma: Conceptualising International Responses to Secession and De facto States". *East European Politics* 35, 3, (2019).

- Thesis

1. Hajjaj, Rewand. "International Recognition Evolving Statehood Criterion: Comparative Analysis of Palestine and Kosovo". Master Thesis, Central European University, 2012.
2. Pitta, Michele. "Statehood and Recognition: The Case of Palestine". Master in Diplomacy and International Public Service, University of Barcelona, 2018, 19. Available at: https://diposit.ub.edu/dspace/bitstream/2445/123175/1/TFM_Michele_Pitta.pdf, Accessed: 19/10/2024.
3. Zounuzy Zadeh, Ali. "International Law and the Criteria for Statehood". LL.M Thesis of Public International Law, Tilburg University, 2022, Available at: <http://arno.uvt.nl/show.cgi?fid=121942>, Accessed: 18/10/2024.

- Documents

1. *Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide in the Gaza Strip (South Africa v. Israel), Application for permission to intervene and declaration of intervention submitted by Palestine, I.C.J. Reports 3 June 2024.*
2. Basic-Law: Jerusalem the capital of Israel, 5740-1980, 30th July, 1980.
3. Convention on the Rights and Duties of States, 1933.
4. Convention on the Rights and Duties of States, 1933.
5. Covenant of the League of Nations, 28 June 1919.
6. Declaration of Principles on Interim Self-Government Arrangements, Oslo Accord I, 1993.
7. Economic and social repercussions of the Israeli occupation on the living conditions of the Palestinian people in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and of the Arab population in the occupied Syrian Golan, UN doc. A/78/127-E/2023/95, 30 June 2023.
8. ICC (Office of the Prosecutor), *Prosecution request pursuant to article 19(3) for a ruling on the Court's territorial jurisdiction in Palestine, Situation in the State of Palestine*, 22 January 2020.
9. ICC (Office of the Prosecutor), *Prosecution request pursuant to article 19(3) for a ruling on the Court's territorial jurisdiction in Palestine, Situation in the State of Palestine*, 22 January 2020.
10. ICC (Pre-Trial Chamber I), *Decision on the Prosecution request pursuant to article 19 (3) for a ruling on the Court's territorial jurisdiction in Palestine, Situation in the State of Palestine*, 5 February 2021.
11. ICC (Pre-Trial Chamber I), *Decision on the Prosecution request pursuant to article 19 (3) for a ruling on the Court's territorial jurisdiction in Palestine, Situation in the State of Palestine*, 5 February 2021.
12. ILC, *Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts*, 2001.
13. Israeli-Palestinian Interim Agreement on the West Bank and the Gaza Strip, Oslo Accord II, 1995.
14. *Legal Consequences arising from the Policies and Practices of Israel in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem*, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2024.
15. *Legal Consequences arising from the Policies and Practices of Israel in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem*, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2024.
16. *Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory*, I.C.J. Advisory Opinion, 2004.
17. *Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory*, I.C.J. Advisory Opinion, 2004.
18. *Legal Consequences of the Separation of the Chagos Archipelago from Mauritius in 1965*, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2019 (I).

19. *Legal Consequences of the Separation of the Chagos Archipelago from Mauritius in 1965, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2019 (I).Relocation of the United States Embassy to Jerusalem (Palestine v. United States of America), I.C.J. Report, Application instituting proceedings, 28 September 2018.*
20. Office of the United Nations Special Coordinator for the Middle East Peace Process, Palestine State-building: A Decisive Period, Ad Hoc Liaison Committee Meeting Brussels, 13 April 2011.
21. *Relocation of the United States Embassy to Jerusalem (Palestine v. United States of America), I.C.J. Report, Order of 15 November 2018.*
22. Report of the Independent International Commission of Inquiry on the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and Israel, UN doc. A/77/328, 14 September 2022, paras. 39 and 42.
23. UNGA, A/ES-10/L.30/Rev.1, 2024.
24. UNGA, A/ES-10/L.31/Rev.1, 2024.
25. UNGA, A/RES/181(II), 1947
26. UNGA, A/RES/3236(XXIX), 1974.
27. UNGA, A/RES/43/177, 1988.
28. UNGA, Economic and social repercussions of the Israeli occupation on the living conditions of the Palestinian people in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and of the Arab population in the occupied Syrian Golan, UN doc. A/78/127-E/2023/95, 2023.
29. UNGA, Resolution on: Advisory opinion of the International Court of Justice on the legal consequences arising from Israel's policies and practices in the Occupied Palestinian Territory, including East Jerusalem, and from the illegality of Israel's continued presence in the Occupied Palestinian Territory, UN Doc. A/RES/ES-10/24, 2024.
30. UNGA, Status of Palestine in the United Nations, A/RES/67/19, 2012.
31. UNGA., Admission of new Members to the United Nations, UN Doc. ES-10/23, 2024.
32. UNGA., Status of Palestine in the United Nations, UN Doc. A/RES/67/19, 2012.
33. UNSC, Resolution 9, 15 October 1946.
34. UNSC, S/RES/242, 1967.

- Websites

1. African Union Commission Chairperson reiterates Two State Solution for Palestine and Israel in meeting with Ambassador of the State of Israel to Ethiopia, 2021, Available at: <https://au.int/en/pressreleases/20210722/african-union-commission-chairperson-reiterates-two-state-solution-palestine>, Accessed: 26/12/2024.

2. Aljazeera, Mapping which countries recognise Palestine in 2024, 2024, Available at: <https://www.aljazeera.com/news/2024/5/22/mapping-which-countries-recognise-palestine-in-2024>, Accessed: 21/10/2024.
3. Embassies.info., "Palestine's Embassies, Consulates, and Representative Offices", Available at: <https://embassies.info/palestine>, Accessed: 21/10/2024.
4. Gurmendi, Alonso. "If Palestine is a State": the Two-State Solution and Palestine's Position in the Westphalian Myth, *Opinio Juris*, 2023, available at: <https://opiniojuris.org/2023/12/16/if-palestine-is-a-state-the-two-state-solution-and-palestines-position-in-the-westphalian-myth/>, Accessed: 22/10/2024.
5. Palestine Liberation Organization, The Green line is a Red Line: The 1967 Border and the Two-State, 2011, Negotiation Affairs Department: <https://www.nad.ps/en/publication-resources/factsheets/green-line-red-line-1967-border-and-two-state>, Accessed: 26/10/2024.
6. Palestinian Central Bureau of Statistics (PCBS), Conditions of the Palestinian People through Statistical Figures and Findings, on the Occasion of World Refugee Day", 20/06/2024, Available at: <https://www.pcbs.gov.ps/post.aspx?lang=en&ItemID=5773#:~:text=About%2066%25%20of%20the%20Total,and%20data%20indicated%20that%2026,> Accessed: 17/10/2024.
7. Palestinian Diplomat Dr Amal Jadou Shakaa Takes Up Key Role as Ambassador to the EU, Available at: <https://english.pnn.ps/index.php/news/47264>, Accessed: 26/12/2024.
8. UN, Ban sends Palestinian application for UN membership to Security Council, UN News, 23 September 2011, Available at: <https://news.un.org/en/story/2011/09/388322> Accessed: 16/10/2024.
9. UNOCHA, Fact Sheet: Movement and Access in the West Bank, September 2024, Available at: <https://www.unocha.org/publications/report/occupied-palestinian-territory/fact-sheet-movement-and-access-west-bank-august-2024#:~:text=Under%20international%20law%2C%20the%20Israeli,response%20to%20specific%20security%20threats,> Accessed: 26/12/2024.
10. US Department of State, Israel, West Bank and Gaza: West Bank and Gaza, 2022, Available at: <https://www.state.gov/reports/2022-report-on-international-religious-freedom/israel-west-bank-and-gaza/west-bank-and-gaza/#:~:text=The%20U.S.%20government%20estimates%20the,Shia%20and%20Ahmadi%20Muslim%20communities,> Accessed: 17/10/2024.
11. Worldometer, State of Palestine Population, <https://www.worldometers.info/world-population/state-of-palestine-population/>, Accessed: 17/10/2024.